

ماهیت و ساختار مفهوم مقابله در فرهنگ ایرانی

مطالعه‌ی تطبیقی بر مبنای مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI)

محسن آبیاری^۱

دکتر مریم آگیلار وفایی^۲

چکیده

نتایج تحقیقات گوناگون نشان‌دهنده آن است که تنیدگی یا استرس تأثیر زیان‌باری بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد می‌گذارد. این امر متخصصان را بر آن داشته است که به دنبال راهبردهای مقابله‌ای مناسب برای سازش فرد با محیط باشند. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که بافت فرهنگی و مذهبی جوامع بر شیوه‌های مقابله افراد آن جامعه اثر می‌گذارد. نظر به تفاوت قابل ملاحظه‌ی فرهنگی و مذهبی بین جامعه‌ی اسلامی ایران و جوامع اروپایی و آمریکایی، پژوهش حاضر به دنبال تهیه و توسعه‌ی مقدماتی مقیاس سنجش راهبردهای مقابله در جامعه‌ی ایران است.

نتایج تحلیل مقیاس ترکیبی ساخته شده توسط مؤلفین، که در یک نمونه‌ی ۳۶۵ نفری از دانشجویان اجرا شده است، نشان‌دهنده‌ی وجود چهار عامل اساسی (مقابله‌ی مذهبی، مقابله‌ی فعال، مقابله‌ی اجتنابی، جست‌وجوی حمایت و راهنمایی) در مفهوم مقابله‌ی دانشجویان ایرانی است. علاوه بر این، با وجود این که بعضی از جنبه‌های مقیاس استاندارد خارجی پاسخ‌های مقابله (CRI) در این پژوهش تأیید شده، مفهوم مقابله در جامعه‌ی دانشجویان ایرانی دارای ابعادی است که در مقیاس CRI و دیگر مقیاس‌های استاندارد خارجی وجود ندارد. در نهایت، بر اساس یافته‌های این پژوهش، اهمیت نقش مقابله‌ی مذهبی در رفتار مقابله‌ی دانشجویان ایرانی آشکار می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تنیدگی، مقابله، مقابله‌ی مذهبی، مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI).

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

تنیدگی،^۱ اضطراب^۲ و مقابله^۳ از اجزای جدایی ناپذیر زندگی اند. همه‌ی انسان‌ها در هر لحظه با مواردی روبه‌رو می‌شوند که ممکن است در آنها ایجاد تنیدگی کند. شیوه‌ها یا راهبردهایی که افراد برای مقابله با موارد تنیدگی‌زا به کار می‌گیرند، نقش اساسی در سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی آنها ایفا می‌کند. «راهبردهای مقابله، شیوه‌های هشیاری هستند که فرد در مواجهه با موارد تنیدگی‌زا به کار می‌برد» (ربر ۱۹۸۵) یا به عبارتی دیگر، «فرآیندهای ارزیابی و مقابله، تلاش‌های شناختی و رفتاری افراد در تفسیر مشکلات زندگی و غلبه بر آن است» (موس و شفر ۱۹۹۳).

مقابله به دلیل نقش میانجی و تعدیل‌کننده‌ای که در ارتباط بین تنیدگی و پیامدهای جسمانی، روان‌شناختی و اجتماعی آن دارد، یک مفهوم اساسی در تحقیقات مربوط به سلامتی است. راهبردهای مقابله‌ی معین می‌توانند سلامت جسمانی و روانی را تضمین کنند و یا به خطر بیندازند. بررسی راهبردها و واکنش‌های مقابله تحقیقات زیادی را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. در تحقیقات اولیه، مقابله، یک مکانیسم دفاعی تصور شده بود (فروید ۱۹۳۳، نقل از اندلر و پارکر ۱۹۹۰) که از لحاظ نظری یک فرآیند ناهشیار بود و باید به وسیله‌ی درمانگر آشکار می‌شد. در تحقیقات اخیر، مقابله پاسخی به وقایع تنیدگی‌زا یا منفی خارجی تصور شده است که فرد معمولاً آنها را هشیارانه اعمال می‌کند و برای سنجش آن از ابزارهای خودگزارشی استفاده می‌شود. نقطه‌ی شروع برای تعداد زیادی از این تحقیقات، تحلیل مفهومی تنیدگی و مقابله است که لازاروس آن را در سال ۱۹۶۶ ارائه کرد. لازاروس می‌گوید تنیدگی از سه فرآیند تشکیل شده است: ارزیابی اولیه^۴ که فرآیند ادراک یک تهدید برای شخص است؛ ارزیابی ثانویه^۵ که فرآیند به ذهن آوردن یک پاسخ بالقوه به تهدید است؛ و مقابله که فرآیند اجرای این پاسخ ذهنی است (کارور، شی‌یر و وین تروب ۱۹۸۹).

طی سه دهه‌ی گذشته، تعدادی از محققان تلاش کرده‌اند ابعاد اساسی رفتار مقابله را شناسایی کنند و بسنجند. پرلین و اسکولر (۱۹۷۸) به روش مصاحبه، رفتارهای مقابله‌ی نمونه‌ی مقطعی بزرگی از بزرگسالان را در مواجهه با تنیدگی‌هایی که مربوط به چهار

1 . stress

2 . anxiety

3 . coping

4 . primary appraisal

5 . secondary appraisal

نقش اجتماعی همسری، مدیریت اقتصادی خانواده، والدینی و شغلی بود جو یا شدند. آنها رفتارهای مقابله‌ای گزارش شده را به سه شیوه‌ی اصلی مقابله طبقه‌بندی کردند: الف) پاسخ‌هایی که موقعیت را تغییر می‌دهند؛ ب) پاسخ‌هایی که معنی یا ارزیابی تنیدگی را تغییر می‌دهند؛ و ج) پاسخ‌هایی که هدفشان کنترل احساسات ناخوشایند است؛ که این سه شیوه مجموعاً ۱۷ بعد را شامل می‌شوند. بیلینگز و موس (۱۹۸۱) نیاز به یک روش راحت و معتبر را برای سنجش پاسخ‌های مقابله‌ای مطرح کردند. آنها هم‌چنین در مطالعه‌ای از آزمودنی‌های بزرگ‌سالی که بیان کرده بودند اخیراً یک بحران شخصی یا واقعه‌ی تنیدگی‌زای زندگی را تجربه کرده‌اند، خواستند به ۱۹ سؤال با جواب بله یا خیر، درباره‌ی این‌که چگونه با آن واقعه مقابله کرده‌اند پاسخ دهند. بیلینگز و موس پاسخ‌های مقابله‌ای را بر اساس روایی صوری به طبقاتی مشابه آنچه پرلین و اسکولر (۱۹۷۸) ارائه کرده بودند طبقه‌بندی کردند: مقابله‌ی فعال - رفتاری، مقابله‌ی اجتنابی و مقابله‌ی فعال-شناختی.

دو نفر از محققان در زمینه‌ی مقابله طی دهه‌ی هشتاد میلادی، فولکمن و لازاروس هستند. آنها می‌گویند مقابله دو کنش اساسی دارد: تنظیم هیجان‌های ناخوشایند (مقابله‌ی متمرکز بر هیجان^۱) و انجام کاری برای تبدیل به احسن مشکلی که باعث ایجاد ناخوشایندی شده است (مقابله‌ی متمرکز بر مشکل^۲) (فولکمن و لازاروس ۱۹۸۰). مقیاس راه‌های مقابله (WOC^۳) که آنها توسعه داده‌اند، یکی از معروف‌ترین مقیاس‌ها در زمینه‌ی سنجش راهبردهای مقابله است که محققان به‌وفور از آن استفاده کرده‌اند. شکل تجدیدنظر شده‌ی این مقیاس دارای ۶۶ ماده است و هشت عامل رویارویی،^۴ دوری‌گزیدن،^۵ مهار خود،^۶ جست‌وجوی حمایت اجتماعی،^۷ پذیرش مسئولیت،^۸ فرار - دوری،^۹ حل مسأله‌ی طرح‌مند^{۱۰} و ارزیابی مجدد مثبت^{۱۱} را می‌سنجد (فولکمن و لازاروس ۱۹۸۸ به نقل از پارکر و اندلر ۱۹۹۲). اندلر و پارکر (۱۹۹۰) با بررسی مقیاس‌های گوناگون، اقدام به تهیه‌ی مقیاسی با ۴۸ ماده، به نام مقیاس مقابله با

- | | | |
|----------------------------|------------------------------|------------------------------|
| 1 . emotion focused | 2 . Problem focused | 3 . ways of coping |
| 4 . confrontation | 5 . distancing | 6 . Self-controlling |
| 7 . seeking social support | | 8 . accepting responsibility |
| 9 . escape-avoidance | 10 . Planful problem solving | |
| 11 . positive reappraisal | | |

موقعیت‌های تنیدگی‌زا (CISS^۱) نمودند که از سه عامل تکلیف،^۲ هیجان و دوری تشکیل شده است. امیرخان (۱۹۹۰) نیز طی چند مرحله‌ی تحقیق، بر اساس تحلیل پاسخ‌های مقابله‌ی آزمودنی‌ها، به سه عامل حل مسأله، جست‌وجوی حمایت اجتماعی و دوری، دست یافت.

موس و شفر (۱۹۹۳) در کتاب مرجع راه‌نمای تنیدگی، با در نظر گرفتن تحقیقات گوناگون در زمینه‌ی مقابله، دو رویکرد کلی را در پیشینه‌ی تحقیقات ذکر می‌کنند. در یک رویکرد، بر کانون توجه^۳ مقابله، یعنی سوگیری و فعالیت شخص در پاسخ به یک تنیدگی‌زا تأکید می‌شود؛ به طور مثال یک نفر می‌تواند با مشکل روبه‌رو شود و برای حل آن بکوشد یا می‌تواند از مشکل دوری کند و عمدتاً روی اداره‌ی هیجانات همراه مشکل، تمرکز کند. رویکرد دوم بر روش^۴ مقابله تأکید می‌کند که آیا پاسخ مقابله بیشتر دربرگیرنده‌ی فعالیت‌های شناختی است یا رفتاری. آنها با ادغام این دو رویکرد هشت مقیاس زیر را در فرآیند مقابله مهم ارزیابی می‌کنند که عبارت‌اند از: تحلیل منطقی^۵، ارزیابی مجدد مثبت، جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت^۶، حل مسأله^۷، دوری شناختی^۸، پذیرش حاکی از تسلیم^۹، جست‌وجوی پاداش‌های جای‌گزین^{۱۰} و برون‌ریزی هیجانی^{۱۱}. براساس این توصیف و طبقه‌بندی، بیشتر مقیاس‌های موجود، بعضی از زیرمقیاس‌های موجود در این مجموعه را می‌سنجد. مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI^{۱۲}) که به وسیله‌ی موس و همکارانش (۱۹۹۰، ۱۹۹۲) به نقل از موس و شفر (۱۹۹۳) تهیه شده است، دربرگیرنده‌ی همه‌ی این زیرمقیاس‌هاست.

به دلیل این که اکثر تحقیقات درباره‌ی شیوه‌های مقابله با عوامل تنیدگی‌زا درون یک زمینه‌ی فرهنگی خاص و بیشتر فرهنگ غربی صورت گرفته‌اند، کم‌تر به مسائل فرهنگی و تأثیراتی که فرهنگ‌های متفاوت می‌توانند بر شیوه‌های مقابله‌ی افراد داشته باشند توجه شده است. این مسئله هنگامی اهمیت خود را آشکار می‌سازد که ما به چگونگی

- | | |
|--|----------------------------------|
| 1 . Coping Inventory for Stressfull Situations | 2 . task |
| 3 . focus coping | 4 . method of coping |
| 5 . logical analysis | 6 . seeking guidance and support |
| 7 . problem solving | 8 . cognitive avoidance |
| 9 . acceptance resignation | 10 . seeking alternative rewards |
| 11 . emotional discharge | 12 . Coping Responses Inventory |

پیدایش و شکل‌گیری منابع و راه‌بردهای مقابله‌ی فرد و عوامل مؤثر بر آن آگاه شویم. یکی از محققان آلمانی به نام هورلمن (۱۹۸۹) که بیشتر از دیدگاه بین‌رشته‌ای به توانایی‌ها و مهارت‌های مقابله توجه کرده است، در کتاب تحول انسانی و سلامتی، مجموعه‌ی توانایی‌های فرد برای مقابله با عوامل تنیدگی‌زا را قابلیت کنش^۱ نام‌گذاری می‌کند و می‌نویسد:

«این که آیا یک واقعه یا موقعیت تنیدگی‌زا از قدرت سازگاری اجتماعی، روان‌شناختی و جسمانی فرد فراتر می‌رود یا نه، به وسیله‌ی ظرفیت‌های رفتاری و قابلیت کنش تعیین می‌شود» (ص ۵۷). او معتقد است قابلیت رفتاری یا کنش، که به صورت ظرفیت‌های رفتاری یک فرد در خصوص در دسترس بودن و استفاده از مهارت‌ها و توانایی‌ها (حسی، حرکتی، تعاملی، هوشی، عاطفی) برای مقابله با واقعیت درونی و بیرونی توصیف می‌شود، طی تحول شخصیت به وجود می‌آید (هورلمن، ۱۹۸۹).

رویکردهای نظری جدید و جامع به تحول انسانی (بافت‌گرایی^۲ ارگانیکسمی - دیالکتیکی^۳) نیز بر این فرض استوار هستند که عوامل اجتماعی (محیطی)، روان‌شناختی (شخصی) و زیست‌شناختی (بدنی) به طور مشترک در شکل‌گیری شخصیت مؤثرند. مگنوسان و ترستاد (۱۹۹۶) ضمن مؤثر دانستن چهار عامل: نظام روانی، عوامل زیست‌شناختی، محیط و وقایع مهم زندگی، در تحول شخصیت، در خصوص نقش محیط می‌نویسند: «عوامل محیطی نقشی قطعی در فرآیند تحولی همه‌ی افراد ایفا می‌کنند. نظام روانی فرد در فرآیند تعامل با محیط تحول می‌یابد؛ بنابراین عوامل محیطی نقشی مستقیم و اساسی در تحول ساخت، محتوا و عملکرد نظام روانی شخص ایفا می‌کنند و مستقیماً بر شیوه‌های تعامل فرد با محیط اثر می‌گذارند» (ص ۲۳۴).

یکی از اجزای محیط، فرهنگ است. واژه‌ی فرهنگ در یکی از معانی متداولش عبارت است از مجموعه‌ی وسیع عقاید و فعالیت‌هایی که اعضای یک گروه را در آن سهیم می‌کند. «دین» زیرطبقه‌ی فرهنگ محسوب شده است و نوعاً شامل عقاید مردم درباره‌ی منشأ جهان، هدف زندگی، نیروهای فوق طبیعی که ممکن است در وقایع اثر بگذارند و... است (توماس، ۱۹۹۶).

1 . action competency

2 . contextualism

3 . organismic-dialectic

بنابراین، فرض می‌شود که راهبردهای مقابله‌ی فرد، از دین و فرهنگ متأثر است و یافته‌های به دست آمده در یک فرهنگ دیگر را نمی‌توان به فرهنگ ایران اسلامی تعمیم داد. این تحقیق بر آن است تا ضمن بررسی اعتبار یافته‌های کنونی در زمینه‌ی مقابله در جامعه‌ی ایرانی، به شناسایی ماهیت و ساختار مفهوم مقابله در این جامعه بپردازد. بدین منظور، مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI) تهیه شده توسط موس و همکاران که دربرگیرنده‌ی کلیه‌ی زیرمقیاس‌هایی است که علم روان‌شناسی کنونی آنها را در زمینه‌ی شناسایی راهبردهای مقابله مؤثر شناخته است، به عنوان مقیاس استاندارد پایه انتخاب شد، تا با اضافه نمودن راهبردهای مقابله‌ی خاص جامعه‌ی ایرانی به آن، نسبت به شناسایی راهبردهای مقابله‌ی جامعه‌ی ایرانی اقدام شود.

این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است:

۱. آیا مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی چندبعدی است؟
۲. مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی از چه ابعادی تشکیل شده است؟
 - ۱-۲. آیا این ابعاد اهمیت یکسانی دارند؟
 - ۲-۲. آیا این ابعاد مستقل از یکدیگرند؟
۳. آیا ابعاد مقابله‌ی به دست آمده در نمونه‌ی ایرانی با ابعاد مقیاس استاندارد خارجی یکسان‌اند؟
۴. آیا موارد مقیاسی تشکیل‌دهنده‌ی ابعاد در نمونه‌ی ایرانی با موارد مقیاسی ابعاد در مقیاس استاندارد خارجی یکسان‌اند؟

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

 ۱. مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی چندبعدی است.
 ۲. ابعاد به دست آمده در پاسخ‌های مقابله‌ی نمونه‌ی ایرانی با ابعاد تشکیل‌دهنده‌ی مقیاس استاندارد خارجی متفاوت‌اند.
 ۳. مواد مقیاسی تشکیل‌دهنده‌ی ابعاد مقابله در نمونه‌ی ایرانی، با مواد مقیاسی ابعاد موجود در مقیاس استاندارد خارجی متفاوت‌اند.

آزمودنی‌ها

جامعه‌ی آماری، دانشجویان مقطع کارشناسی شاغل به تحصیل در دانشگاه فردوسی‌اند. کلیه‌ی آزمودنی‌های مرحله‌ی اول تحقیق ۵۰ نفرند. میانگین سنی این آزمودنی‌ها ۲۱/۶۲ (SD= ۲/۶۵) بود که ۸۸٪ آنها مجرد و بقیه متأهل بودند. در مرحله‌ی دوم تحقیق، به دلیل مواجه شدن با امتحانات پایان ترم و تعطیلات تابستانی، به طور تصادفی، یک نمونه‌ی ۳۶۵ نفری (۲۰۶ زن و ۱۵۹ مرد) از دانشجویان ترم تابستانی دانشگاه فردوسی - که دانشجویانی از دیگر دانشگاه‌های کشور نیز در آن حضور داشتند - برای تحقیق انتخاب شدند. میانگین سنی آزمودنی‌های مرحله‌ی دوم تحقیق ۲۲/۷ (SD= ۳/۵) بود که ۷۷٪ آنها مجرد و بقیه متأهل بودند.

ابزار و روش اجرا

۱. پرسش‌نامه‌ی بازپاسخ: در این پرسش‌نامه از آزمودنی خواسته می‌شود یک واقعه‌ی تنیدگی‌زا را که در یک سال اخیر با آن مواجه بوده است بیان نموده و روش‌های مقابله‌ی خود با آن را توضیح دهد. این پرسش‌نامه در تحقیق اکتشافی به کار گرفته شده است.

۲. مقیاس ترکیبی: این مقیاس، از ترکیب مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI) و راهبردهایی که از نمونه‌ی ایرانی در مطالعه‌ی اکتشافی به دست آمد، تهیه شده است. مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI) که آن را موس و همکارانش (۱۹۹۰) به نقل از موس و شفر (۱۹۹۳) شناخته‌اند، هشت زیرمقیاسی را که بر اساس آخرین یافته‌ها در متون معتبر علمی در مفهوم مقابله مهم ارزیابی شده‌اند می‌سنجد. این مقیاس بر پایه‌ی منطقی-تقسیم‌بندی پاسخ‌های مقابله بر اساس کانون توجه مقابله (سعی در روی آوردن^۱ به مشکل یا دوری^۲ از آن) و روش مقابله (به کارگیری پاسخ‌های مقابله‌شناختی یا رفتاری)- و تجربی تهیه شده است. محققان در ابتدا با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی فوق، چهار حیطة‌ی کلی روی آورد شناختی^۳، روی آورد رفتاری، دوری شناختی و دوری رفتاری را مشخص کردند که هر یک نیز شامل دو عامل است. بدین ترتیب با مشخص نمودن هشت عامل متفاوت، اقدام به تهیه‌ی مواد مقیاسی برای اندازه‌گیری آنها نمودند و مقیاس تهیه

1 . approach

2 . avoidance

3 . cognitive approach

شده را به طور تجربی در گروه‌های متفاوت متشکل از افراد سالم و بیماران جسمانی و روان‌پزشکی بررسی کردند. بدین ترتیب زیرمقیاسی تهیه شد که هر یک متشکل از شش ماده با پاسخ مقابله است. اعتبار درونی مقیاس، $\alpha = 0/65$ برای زنان و $\alpha = 0/67$ برای مردان در نمونه‌ی مورد تحقیق است.

CRI دارای دو شکل جوانان و بزرگسالان است. آزمون CRI ابتدا توسط محقق ترجمه و سپس با راهنمایی ۳ نفر از استادان زبان انگلیسی و روان‌شناسی صحت آن بررسی شد و راهنمایی‌های لازم صورت گرفت. همچنین یکی از کارشناسان زبان و ادبیات فارسی، ترجمه‌ی نهایی را ویراستاری کرد. سپس مواد مقیاس CRI و راه‌بردهای مقابله‌ی به دست آمده از مطالعه‌ی اکتشافی، به صورت منطقی در یکدیگر ادغام شدند و بدین ترتیب مقیاسی ترکیبی که شامل ۹۳ پاسخ مقابله یا ماده است به دست آمد.

شکل پاسخ‌دهی مقیاس ترکیبی با شیوه‌ی مقیاس استاندارد CRI تطبیق یافت. ابتدا از آزمودنی‌ها خواسته شد یکی از موقعیت‌های تنیدگی‌زا را که طی ۱۲ ماه گذشته داشته‌اند شرح دهند. سپس میزان استفاده‌ی خود را از هر یک از راه‌بردهای مقابله در مورد موقعیت ذکر شده، بر اساس پاسخ‌های ۴ درجه‌ای از نوع لیکرت (از نه به هیچ‌وجه، تا بله تقریباً اغلب اوقات) مشخص کنند. برای تحلیل آماری، این پاسخ‌ها از صفر تا سه نمره‌گذاری شدند.

۳. مقیاس مقبولیت اجتماعی^۱: این مقیاس برای ارزیابی میزان میل بهتر جلوه‌دادن خود نزد دیگران به کار می‌رود. شکل اولیه‌ی مقیاس را کرون و مارلو (۱۹۶۴) به نقل از اندلر و پارکر (۱۹۹۲) توسعه داده‌اند. در این پژوهش، از شکل کوتاه این مقیاس که بالارد (۱۹۹۲) آن را توسعه داده است استفاده می‌شود.

سیزده سؤال این مقیاس به صورت دو جوابی (بله یا خیر) است که پاسخ پنج سؤال به صورت معکوس بود. نمره‌گذاری نهایی به این صورت انجام شد که به هر ماده‌ای که در آن، پاسخ بله نشان دهنده‌ی گرایش مقبولیت اجتماعی بود و در سؤال‌هایی که پاسخ آنها معکوس بود، به پاسخ خیر نمره‌ی یک داده شد. بدین ترتیب، نمره‌ی هر آزمونی در این مقیاس حداقل صفر و حداکثر سیزده است.

شیوه و روند اجرا

پژوهش طی دو مرحله انجام شد:

۱. تحقیق اکتشافی: در این مرحله برای شناسایی راهبردهایی که دانشجویان در مقابله با عوامل تنیدگی‌زا از آن استفاده می‌کنند یک پرسش‌نامه‌ی بازپاسخ به ۵۰ نفر (۲۵ زن و ۲۵ مرد) از دانشجویان ارائه شد. در این پرسش‌نامه از آنها خواسته شد ضمن توصیف یک مورد تنیدگی‌زا که داشته‌اند روش‌های مقابله‌ی خود با آن واقعه را توضیح دهند.

۲. مرحله‌ی دوم تحقیق: در این مرحله، برای سنجش اعتبار و روایی مقیاس ترکیبی که حاصل راهبردهای خاص نمونه‌ی ایرانی و مقیاس پاسخ‌های مقابله (CRI) است، این مقیاس به همراه مقیاس مقبولیت اجتماعی به ۳۶۵ نفر از دانشجویان ارائه شد.

روش گردآوری اطلاعات: در تحقیق اکتشافی، از بعضی از دانشجویانی که در محوطه‌ی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، علوم و ادبیات حضور داشتند خواسته شد در تحقیق شرکت، و پرسش‌نامه را تکمیل کنند. بعد از تکمیل پرسش‌نامه نیز، در صورت تمایل، برای وضوح بیشتر پاسخ‌های داده شده، با آنان مصاحبه می‌شد. در مرحله‌ی دوم پژوهش، به صورت تصادفی کلاس‌هایی از رشته‌های مختلف (مهندسی، علوم پایه، علوم تربیتی و روان‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی) برای تحقیق انتخاب شدند. با مراجعه به کلاس، بعد از تشریح موضوع تحقیق، پرسش‌نامه‌ها بین آنها توزیع، و پس از تکمیل، جمع‌آوری می‌شد. شرکت افراد در تحقیق اختیاری بود.

نتایج

پاسخ‌های ۳۶۵ نفر به پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. پرسش‌نامه علاوه بر گرفتن اطلاعات جمعیت‌شناختی، حاوی دو آزمون ترکیبی و مقیاس مقبولیت اجتماعی بود. ضریب آلفای درونی هر مقیاس برای ارزیابی ابزارها، هم‌چنین، میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین آنها محاسبه شد که در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای مقیاس‌ها به همراه همبستگی بین آنها

مقیاس ترکیبی	مقیاس پاسخهای مقابله (CRI)	مقیاس مقبولیت اجتماعی	
(ماده ۵۲)	(ماده ۴۸)	(ماده ۱۳)	
۸۸/۳۱	۷۲/۱۷	۶/۴۴	میانگین
۲۰/۶۱	۱۴/۵۹	۲/۳۸	انحراف استاندارد
۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۵۶	آلفا
۰ تا ۱۵۶	۰ تا ۱۴۴	۰ تا ۱۳	دامنه‌ی نمره
--	--	۰/۲۷۷	مقیاس ترکیبی
۰/۸۳۶	--	۰/۱۱۵	مقیاس پاسخهای مقابله (CRI)
$p < ۰/۰۰۱$	$p < ۰/۰۰۵$		

در باره‌ی فرضیه‌ی اول تحقیق که «مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی چند بعدی است»، تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی انجام شد. نتایج اولیه‌ی تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی پاسخ‌های گروه نمونه به ۹۳ ماده‌ی مقیاس ترکیبی، با بررسی معیارهای Scree Plot (شکل ۱) و مقدار ویژه^۱ بزرگ‌تر از یک درباره‌ی آنها، وجود هفت عامل را پیشنهاد می‌کرد.

شکل ۱: منحنی اسکری تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی

1 . eigen value

تحلیل عاملی با چرخش واریمکس و ابلیمین به طور جداگانه، به ترتیب بر اساس ۴، ۵، ۶ و ۷ عامل ترکیبی شد که همگی دارای عوامل هماهنگ و تفسیرپذیری بودند و تفاوتی بین روش چرخش واریمکس و ابلیمین نشد. با بررسی شاخص‌های دیگر آماری، مانند اعتبار ماده^۱ و ارتباط کلی مواد، مواد تشکیل دهنده‌ی عامل آخر در تحلیل‌های عاملی بر اساس ۵، ۶ و ۷ عامل، اعتبار ماده و ارتباط کلی ضعیفی با مواد دیگر داشتند و حذف مواد آن عامل، موجب افزایش اعتبار کل مقیاس و هم‌چنین ارتباط کلی مواد دیگر مقیاس می‌شد. بدین ترتیب، تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی بر اساس ۴ عامل که از نظر شاخص‌های آماری ذکر شده در بالا مشکلی نداشت و همه‌ی عوامل آن حفظ می‌شدند، ملاک کار قرار گرفت. برای این راه حل، مقادیر تعیین کفایت نمونه‌گیری $KMO = 0/618$ و آزمون کسرویت بارتلت (Bartlett Test of Sphericity) $= 97621/8748$ ؛ $p < 0/00001$ ، بوده است. مقادیر ویژه‌ی عوامل، درصد واریانس توجیه شده و ضرایب آلفا در جدول (۲) گزارش شدند.

مواد هر عامل بر اساس ملاک بار عاملی بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۴۰ در یک عامل و کوچک‌تر یا مساوی ۰/۲۵ در عامل دیگر انتخاب شدند که در جدول (۲) نشان داده شده است. در موارد معدودی- ماده‌ی ۶۱ در عامل دوم و ماده‌ی ۲۲ در عامل سوم- اگر بار عاملی در عوامل دیگر بیشتر از ۰/۲۵ تا حداکثر ۰/۲۸ بود، در صورت هم‌خوانی این ماده با مواد دیگر در عامل مورد نظر، انتخاب شدند. بر این اساس، ۱۵ ماده در عامل اول، ۱۸ ماده در عامل دوم، ۱۵ ماده در عامل سوم و ۷ ماده در عامل چهارم به دست آمد. با محاسبه‌ی ارتباط کلی درونی مواد (۵۵ ماده)، ماده‌ی ۵۸ از عامل دوم و ۲۵ و ۶۰ از عامل چهارم همبستگی ضعیفی با کل مقیاس داشتند و حذف آنها موجب افزایش اعتبار درونی هر یک از عوامل، به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۱ است. بنابراین، فرضیه‌ی تحقیق، مبنی بر چند بعدی بودن مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی، تأیید می‌گردد.

فرضیه‌های دوم و سوم این تحقیق، بیان‌کننده‌ی عدم روایی سازه‌ی CRI در نمونه‌ی ایرانی‌اند. تکرار ساخت عاملی CRI در تحقیقاتی که در کشور ایران صورت می‌گیرد روایی سازه‌ی آن را برای جامعه‌ی ایرانی تأیید خواهد کرد، در غیر این صورت، استفاده

از آن در جامعه‌ی ایرانی مورد تردید خواهد بود. براساس تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی جداگانه‌ی پاسخ‌های آزمودنی‌ها به ۴۸ ماده‌ی مقیاس CRI، معیارهای Scree Plot و مقدار ویژه‌ی بزرگ‌تر از ۱، وجود سه عامل را پیشنهاد می‌کند که در مجموع ۲۴/۱۶ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهند. جدول (۲) بیانگر بارهای عاملی هر یک از مواد مقیاس CRI براساس ۳ عامل است. در جدول (۲) ضرایب آلفا فقط برای مواد با بارهای عاملی بزرگ‌تر یا مساوی با ۰/۴۰ در عامل اصلی و کوچکتر یا مساوی ۰/۲۵ در عامل دیگر محاسبه شده‌اند. با توجه به این‌که نتایج حاصل از بررسی چرخش‌های واریماکس و ابلیمین یکسان بوده، چرخش واریماکس انتخاب شده است (جدول ۲).

بنابراین، عوامل موجود در CRI و مواد مقیاسی آنها در نمونه‌ی ایرانی به طور نسبی تکرار شدند که این تأیید‌کننده‌ی فرضیه‌های تحقیق، مبنی بر عدم تکرار عوامل هشتگانه CRI در جامعه‌ی ایرانی است.

درباره‌ی سؤال‌های اکتشافی این تحقیق که «مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی از چند بعد تشکیل شده است؟» و «آیا این ابعاد اهمیت یکسانی دارند؟» و «آیا این ابعاد مستقل از یکدیگرند؟»، براساس تحلیل عاملی، چهار عامل به دست آمد. عامل اول که از ۱۵ ماده تشکیل شده است، نشان دهنده‌ی استفاده از ایمان مذهبی و روش‌های توصیه شده در ادیان الهی مخصوصاً دین اسلام، برای مقابله با موارد تنیدگی‌زای زندگی است که می‌تواند به عنوان «مقابله‌ی مذهبی» تفسیر شود. عامل دوم که از ۱۷ ماده تشکیل شده است، شامل راهبردهای کلی مقابله‌ای، مانند تحلیل منطقی مشکل، ارزیابی مجدد مثبت، حل مسأله و مهار خویشتن است که می‌تواند به عنوان «روی آورد» تفسیر شود. عامل سوم که از ۱۵ ماده تشکیل شده است، منعکس‌کننده‌ی شیوه‌های دور شدن ذهنی و رفتاری از مشکل است که می‌تواند به عنوان «دوری» تفسیر شود. عامل چهارم که از ۵ ماده تشکیل شده است، نشان دهنده‌ی روی آوردن به دیگران برای راه‌نمایی شدن یا جلب حمایت عاطفی است و می‌تواند به عنوان «جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت» تفسیر شود.

جدول (۲): نتیجه‌ی تحلیل مؤلفه‌های اصلی مقیاس ترکیبی به همراه بار عاملی، مقدار ویژه و درصد واریانس توضیح داده شده و ضرایب آلفای هر یک از عوامل

جدول (۳): مواد تشکیل دهنده عوامل به همراه بارهای عاملی و درصد واریانس توضیح داده شده

عامل ۱	مقابله‌ی مذهبی (۸۹/۸٪)	شماره ماده	بار عاملی
		۲۵	۰/۷۴۸
		۴۰	۰/۷۴۷
		۵۰	۰/۷۳۵
		۱۱	۰/۷۰۸
		۱۴	۰/۷۰۶
		۸۹	۰/۷۰۶
		۲۷	۰/۶۷۵
		۵۲	۰/۶۷۴
		۸۰	۰/۶۷۲
		۷۸	۰/۶۶۸
		۳۸	۰/۶۱۵
		۵۵	۰/۶۱۱
			ببرید؟
		۸۴	۰/۵۶۶
		۶۵	۰/۵۶۵
		۸۰	۰/۵۶۵
عامل ۲	مقابله فعال (۴۸/۸٪)	شماره ماده	بار عاملی
		۱۹	۰/۶۰۱
		۶۱	۰/۵۷۸

آیا سعی کردید جنبه‌ی مثبت موقعیت را ببینید؟	۳۲	۰/۵۷۲
آیا کارها را قدم به قدم و به تدریج انجام دادید؟	۸۵	۰/۵۶۵
آیا سعی کردید احساساتی عمل نکرده و به طور منطقی با موضوع برخورد کنید؟	۸۳	۰/۵۶۳
آیا تصمیم گرفتید که چه می‌خواهید و برای به دست آوردن آن سخت تلاش کردید؟	۳۴	۰/۵۵۱
آیا سعی کردید درباره‌ی این موقعیت آگاهی بیشتری به دست آورید؟	۶۳	۰/۵۴۴
آیا سعی کردید به خودتان بگویید که اوضاع بهتر خواهد شد؟	۶۲	۰/۵۲۷
آیا سعی کردید از فکرتان برای رفع مشکل کمک بگیرید؟	۵۱	۰/۵۰۳
آیا سعی کردید با تجزیه‌ی مشکل، برای هر یک از اجزای مشکل، به یک یا چند راه حل فرضی برسید؟	۲۸	۰/۴۸۶
آیا در این باره فکر کردید که چقدر وضعیت شما بهتر از افراد دیگر با مشکلات مشابه است؟	۴۷	۰/۴۸۴
آیا آنچه را می‌خواستید بگویید یا انجام دهید، در ذهنتان مرور کردید؟	۳۱	۰/۴۸۲
آیا سعی کردید خودتان را برای حل مشکل در صورت وقوع آماده کنید؟	۵۴	۰/۴۵۸
آیا سعی کردید در برابر مشکل از خود صبر و استقامت نشان دهید؟	۹۲	۰/۴۵۳
آیا سعی کردید خونسردی خود را حفظ کنید؟	۱۳	۰/۸/۴۴
آیا در این مورد فکر کردید که این رویداد تا چه اندازه می‌تواند تغییر مثبتی در زندگی شما ایجاد نماید؟	۷۷	۰/۴۴۶
آیا سعی کردید خودتان را از این موقعیت خارج کنید و به شکلی عینی‌تر به مسئله پردازید؟	۱۶	۰/۴۰۹
مقابله اجتنابی (۶/۲۹٪)		عامل ۳
شماره ماده		بار عاملی
آیا سعی کردید فکرتان را با موضوعات دیگر مشغول کنید؟	۹۰	۰/۶۳۸
آیا سعی کردید به اصطلاح، خود را به بی‌خیالی بزنید؟	۴۱	۰/۶۱۸
آیا سعی کردید خود را با کارهای دیگر سرگرم کنید؟	۵۳	۰/۵۸۰
آیا سعی کردید درباره‌ی مشکل فکر نکنید؟	۲۰	۰/۵۶۹

آیا سعی کردید کمتر به مشکل فکر کنید؟	۳۹	۰/۵۵۶
آیا سعی کردید کل مسئله را فراموش کنید؟	۵	۰/۵۴۶
آیا سعی کردید در مورد چیزی که گذشته است فکر نکنید؟	۸۱	۰/۵۳۱
آیا سعی کردید خود را غرق یک فعالیت دیگر (مثل درس و...) کنید؟	۶۷	۰/۴۷۴
آیا سرگرم فعالیت‌های جدید شدید؟	۲۲	۰/۴۶۴
آیا به جای تلاش برای رفع مشکلی که دچار آن هستید، سعی کردید اهداف دیگری را برگزینید؟	۷۹	۰/۴۵۱
آیا سعی کردید از فرار گرفتن در موقعیتی که موجب استرس و نگرانی‌تان می‌شود دوری کنید؟	۲۶	۰/۴۴۰
آیا سعی کردید فکر کردن راجع به مشکل را به تعویق بیندازید اگر چه می‌دانستید به هر حال باید به آن پردازید؟	۵۷	۰/۴۲۶
آیا سعی کردید این نکته را که «مشکل واقعاً جدی است» انکار کنید؟	۸۶	۰/۴۰۷
آیا به کار یا فعالیت‌های دیگری روی آوردید تا از این طریق بتوانید از عهده‌ی امور برآیید؟	۸۸	۰/۴۰۶
آیا وقت بیشتری را صرف فعالیت‌های تفریحی کردید؟	۷۴	۰/۴۰۴
جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت (۰/۴/۵۹)		عامل ۴
شماره ماده		بار عاملی
آیا مشکل را با دیگران (خانواده یا دوستان) در میان گذاشتید تا راه‌نمایی‌تان کنند؟	۶۹	۰/۷۲۶
آیا سعی کردید مشکل را با دیگران (خانواده یا دوستان) در میان بگذارید تا به شما دلداری بدهند؟	۵۶	۰/۶۷۰
آیا با همسر یا دیگر اقوام درباره‌ی مشکل صحبت کردید؟	۳	۰/۶۱۰
آیا موضوع را با خانواده در میان گذاشتید تا آنها از مشکل شما مطلع باشند؟	۸۲	۰/۶۰۶
آیا با یک دوست درباره‌ی مشکل صحبت کردید؟	۱۸	۰/۴۷۶

براساس ملاک‌های میزان، مقدار ویژه‌ی واریانس توضیح داده شده، عامل اول دارای مقدار ویژه‌ی برابر ۱۱/۸۴ است که ۰/۸/۵۹٪ از کل واریانس بعد از چرخش را توضیح

می‌دهد. عوامل بعدی به ترتیب دارای مقدار ویژه‌ی برابر با ۵/۹۹، ۴/۵۹ و ۳/۵۸ هستند که به ترتیب ۸/۴۸، ۶/۲۹، ۴/۵۹ و ۳/۵۸ درصد از کل واریانس را توضیح می‌دهند. بدین ترتیب، عوامل دارای اهمیت یکسانی نیستند. عامل اول دارای بیشترین اهمیت است و عوامل بعدی به ترتیب در درجات بعدی از لحاظ اهمیت قرار دارند. از آن‌جا که یک ملاک برای تأیید ماهیت چند بعدی مفهوم مقابله، محاسبه‌ی همبستگی بین عوامل است - که اگر این عوامل مستقل از یکدیگر باشند نشان دهنده‌ی چند بعدی بودن مفهوم مقابله است و اگر بین عوامل همبستگی وجود داشته باشد با قاطعیت کم‌تری می‌توان این ادعا را عنوان نمود - همبستگی بین عوامل محاسبه شد. جدول (۴) نشان دهنده‌ی میزان همبستگی درونی بین عوامل است که استقلال نسبی عوامل از یکدیگر را بیان می‌کند.

جدول (۴) همبستگی عوامل با یکدیگر و با مقبولیت اجتماعی

متغیر	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
عامل ۱ مقابله‌ی مذهبی	--			
عامل ۲ مقابله‌ی فعال	۰/۲۶			
عامل ۳ مقابله‌ی اجتنابی	۰/۱۳	۰/۳۳		
عامل ۴ جست‌وجو و راه‌نمایی و حمایت	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۱	

در بررسی روابط بین عوامل جمعیت‌شناختی (مانند: جنسیت، وضعیت تأهل و سن) و عوامل چهارگانه‌ی به‌دست آمده در این تحقیق، مشخص شد که زن‌ها در مقایسه با مردان از مقابله‌ی مذهبی ($F= ۱۲/۵۱$ ، $(df= ۳۶۱)$ ، $p < ۰/۰۰۱$) و متأهلین در مقایسه با مجردها از عامل جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت ($F= ۱۶/۷۱$ ، $(df= ۳۶۱)$ ، $p < ۰/۰۰۱$) بیشتر استفاده کرده بودند. بین عامل سن و عوامل به دست آمده در این تحقیق رابطه‌ای مشاهده نشد.

بحث

از دیدگاه علمی، شیوه‌ها یا راه‌بردهایی که فرد در مقابله با موارد تنیدگی‌زا به کار می‌برد، نقش اساسی و تعیین‌کننده در سلامت جسمانی و روانی او ایفا می‌کنند. به علاوه

نظریه‌های متعددی وجود دارند که بیان می‌کنند ماهیت راهبردها و منابع مقابله‌ی فرد با موارد تنیدگی‌زا، طی تحوّل شخصیت شکل می‌گیرد و عوامل محیطی در شکل‌گیری شخصیت نقش قاطعی دارند. براساس این نظریه‌ها یکی از اجزای محیط، فرهنگ است و «دین» نیز زیرگروه فرهنگ محسوب شده است؛ بنابراین فرض می‌شود که راهبردهای مقابله‌ی فرد از دین و فرهنگ متأثرند و یافته‌های یک فرهنگ را نمی‌توان به فرهنگ ایرانی - اسلامی تعمیم داد.

این تحقیق برای بررسی مفهوم مقابله در فرهنگ ایرانی، با مبنا قرار دادن مقیاس CRI انجام شده است. نتایج این پژوهش، در مجموع، این فرضیه‌های کلی نظری را تأیید می‌کند.

در باره‌ی فرضیه‌ی اول که «مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی چند بعدی است»، با توجه به یافته‌های پژوهش، مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی، مرکب از چهار عامل است. شواهد تجربی چندبعدی بودن مفهوم مقابله در جامعه‌ی ایرانی، بدین لحاظ اهمیت دارد که با بررسی پیشینه‌ی نظریات در باره‌ی مقابله، ملاحظه می‌شود که در ابتدا فقط به نحوه‌ی ارزیابی افراد از وقایع تنیدگی‌زای زندگی در حل وقایع اهمیت داده می‌شود (فولکمن و دیگران، ۱۹۷۹، به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲)، در صورتی که نظریه‌پردازان بعدی نحوه‌ی رفتار و عمل افراد درباره‌ی این وقایع تنیدگی‌زا را نیز مهم شمردند (بیلینگز و موس، ۱۹۸۴، به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲).

چند بعدی بودن مفهوم مقابله، هم‌سو با تحقیقات قبلی (پرلین و اسکولر، ۱۹۷۸؛ فولکمن و لازاروس، ۱۹۸۰؛ اندلر و پارکر، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ و امیرخان، ۱۹۹۰) است. پرلین و اسکولر (۱۹۷۸) هفده عامل را شناسایی کردند. فولکمن و لازاروس نیز در آخرین تحقیقات خود (۱۹۸۸، به نقل از پارکر و اندلر، ۱۹۹۲) هشت عامل را در مقابله با تنیدگی مؤثر شناخته‌اند. اندلر و پارکر (۱۹۹۰ و ۱۹۹۴) سه بعد و امیرخان (۱۹۹۰) نیز سه بعد را در مفهوم مقابله با تنیدگی شناسایی کرده‌اند.

درباره‌ی پرسش‌های گروه دوم که: «مفهوم مقابله در نمونه‌ی ایرانی از چه ابعادی تشکیل شده است؟ آیا این ابعاد اهمیت یکسانی دارند؟ آیا این ابعاد مستقل از یکدیگر هستند؟»، یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی چهار عامل «مقابله‌ی مذهبی»، «مقابله‌ی فعال»، «مقابله اجتنابی»، «جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت» در مفهوم مقابله در نمونه‌ی

ایرانی است. این ابعاد مستقل از یکدیگرند و بُعد مقابله‌ی مذهبی دارای بیشترین اهمیت است.

عامل «مقابله‌ی مذهبی» از مواردی چون توسل جستن به درگاه معصومین و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، یاری خواستن از خداوند در حل مشکلات، توجه به گذشت و فضل و رحمت خداوند در حین سختی‌ها و مشکلات، قرائت قرآن مجید، نذر کردن برای برآورده شدن حاجات و رفع مشکلات، رفتن به اماکن مذهبی، اهمیت دادن به نمازها و هم‌چنین توکل به خداوند تشکیل شده است. بعضی از این موارد (مانند خواندن دعا و قرائت کتاب آسمانی) در همه‌ی ادیان مشترک است و بعضی به نظر می‌آید که خاص دین اسلام، به‌خصوص مذهب شیعه باشد (مانند توسل جستن به درگاه امامان معصوم علیهم‌السلام).

عامل «مقابله‌ی فعال» از مواردی چون استفاده از فکر و اندیشه برای تجزیه و تحلیل منطقی مشکل و پیدا کردن راه‌حل‌ها، نگرستن عینی به مشکل، کسب آگاهی بیشتر درباره‌ی مشکل، تصمیم‌گیری در مورد مقاصد و تلاش برای رسیدن به آنها، دیدن جنبه‌های مثبت موقعیت، دادن امیدواری به خود، توجه به آثار مثبت مشکل، مقایسه‌ی مشکل خود با مشکل دیگران و حفظ خون‌سردی تشکیل شده است.

عامل «مقابله‌ی اجتنابی» از مواردی چون مشغول کردن فکر با موضوعات دیگر، خود را به اصطلاح به بی‌خیالی زدن، فکر نکردن در مورد گذشته، فکر نکردن یا کم‌تر فکر کردن درباره‌ی مشکل، سعی در فراموش کردن مشکل، انکار جدی بودن مشکل، به تعویق انداختن تفکر درباره‌ی مشکل، سرگرم کردن خود با کارهای دیگر، روی آوردن به اهداف دیگر، خود را غرق فعالیت‌های دیگر کردن و دوری کردن از موقعیت‌هایی که موجب تنیدگی می‌شوند تشکیل شده است.

با بررسی پیشینه‌ی این بحث، ملاحظه می‌شود که تحقیقات مختلف درباره‌ی شناسایی ابعاد و عوامل مؤثر در مقابله با تنیدگی، به شناسایی ابعاد متعدد و متفاوتی انجامیده است. فولکمن و لازاروس (۱۹۸۸)، به نقل از پارکر و اندلر، (۱۹۹۲) با اعتقاد به دو کنش اصلی مقابله - اداره یا اصلاح رابطه‌ی فرد و محیط که منبع تنیدگی است (مقابله‌ی متمرکز بر مسئله) و تنظیم هیجانات تنیدگی‌زا (مقابله‌ی متمرکز بر هیجان) - هشت عامل را در مفهوم مقابله شناسایی می‌کنند که عبارت‌اند از: مقابله‌ی رویارویی،

جست‌وجوی حمایت اجتماعی، حل مسئله‌ی طرح‌مند، مهار خویش‌تن، دوری‌گزیدن، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش مسئولیت و فرار / اجتناب. اندلر و پارکر (۱۹۹۴) سه بعد تکلیف، هیجان و دوری را در مفهوم مقابله مؤثر می‌دانند. امیرخان (۱۹۹۰) سه بعد حل مسائل، جست‌وجوی حمایت اجتماعی و دوری را در مفهوم مقابله شناسایی کرد.

در تحقیق حاضر نیز، که چهار عامل: مقابله‌ی مذهبی، مقابله‌ی فعال، مقابله‌ی اجتنابی و جست‌وجوی حمایت و راه‌نمایی به دست آمد، همان‌طور که ملاحظه می‌شود به غیر از عامل مقابله‌ی مذهبی، وجود بقیه‌ی عوامل تقریباً در تمامی تحقیقات مربوط به مفهوم مقابله تأیید گردیده است. اهمیت عامل مقابله‌ی مذهبی در مفهوم مقابله نیز اخیراً با اهمیتی که بعضی از محققان به نقش مذهب در مقابله با موارد تنیدگی‌زای زندگی داشته‌اند، آشکار شده است.

با بررسی پیشینه‌ی پژوهش درباره‌ی مقابله‌ی مذهبی ملاحظه می‌شود که تحقیقات متعددی اثبات کرده بودند که، به طور کلی، دین در فرآیند مقابله نقشی فعال دارد (به طور مثال: بالک، ۱۹۸۳ به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲) ولی با وجود این، توجه زیادی به بعد مذهبی در مقابله نشد و محققان توجه خود را به تک‌ماده‌های مذهبی مقیاس‌های کلی محدود کرده بودند که این‌ها هم اغلب وقتی با زیرمقیاس‌های وسیع‌تر ادغام می‌شدند از نظر دور می‌ماندند.

با توجه ویژه‌ای که بعضی از محققان به نقش دین در فرآیند مقابله نمودند، ارتباط‌هایی بین شیوه‌های عمومی مقابله‌ی مذهبی و میزان سازگاری به دست آمد (پارگامنت و دیگران، ۱۹۸۸، مکینتاش اسپکا، ۱۹۹۰، به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲)؛ اگر چه به نحوه‌ی عملکرد عینی دین در موقعیت‌های خاص توجه زیادی نشده بود. (پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲).

پارگامنت که یکی از صاحب‌نظران و محققان در موضوع مقابله‌ی مذهبی است با گسترش الگوی تعاملی فولمکن و لازاروس (۱۹۸۴)، به نقل از پارگامنت و دیگران، (۱۹۹۲) ضمن ارائه‌ی یک چارچوب نظری، بیان نموده است که دین می‌تواند بخشی از هر یک از سازه‌های اصلی مقابله باشد؛ به عنوان مثال، می‌توان از وقایع مهم مذهبی، ارزیابی‌های مذهبی، فعالیت‌های مقابله‌ی مذهبی و مقاصد مذهبی در مقابله صحبت کرد. ضمن این که دین به عنوان بخشی از فرآیند تعاملی مقابله، نقشی دو سویه دارد؛ از

یک سو دین می‌تواند به فرآیند مقابله کمک کند و ویژگی‌های وقایع زندگی، فعالیت‌های مقابله و پیامدهای وقایع را شکل دهد؛ به طور مثال، چندین مطالعه، کمک‌های منحصر به فرد و مهم تعهدات مذهبی و حمایت معنوی را در سازگاری افراد با موارد تنیدگی زای زندگی آشکار کرده‌اند (کراوز و ون‌ترن ۱۹۸۹، پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۰ هر دو به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲) و از سوی دیگر، دین می‌تواند محصول مقابله باشد که به وسیله‌ی عناصر دیگر فرآیند شکل داده شده است؛ مثلاً نتایج یک تحقیق میدانی نشان داد که افراد بعد از وقایعی چون تولد کودک، دوره‌های تنهایی، ترقی در کار و مشکلات هیجانی، افزایش ایمان و عقیده را گزارش کرده‌اند (مرکز مطالعات دینی پرینستون، ۱۹۸۷، به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲).

چارچوب نظری پارگامنت فرآیندی را پیشنهاد می‌کند که از طریق آن دین در مقابله حضور فعال دارد. او عقیده دارد که مردم بدون منبع و دست‌مایه^۱ با وقایع تنیدگی زا روبه‌رو نمی‌شوند. آنها با خود یک نظام اعتقادات و باورهای کلی، اعمال، آرزوها و روابط دارند که بر چگونگی مقابله‌ی آنها با لحظات دشوار تأثیر می‌گذارند. دین، کم یا بیش، بخشی از این نظام است. در فرآیند مقابله، عناصر دینی و غیر دینی این نظام، همه به ارزیابی‌ها، فعالیت‌ها و اهداف عینی و موقعیت‌مدار تبدیل می‌شوند. شخصی با یک ایمان مذهبی قوی که دچار یک آسیب‌دیدگی ناتوان‌کننده است باید راهی بیابد که از کلیات ایمانش به جزئیات مقابله با وضعیتش حرکت کند. به طور خلاصه، از دیدگاه پارگامنت، دین هنگامی در مقابله عمل می‌کند که منابع کلی به فعالیت‌های خاص موقعیت تعبیر و تبدیل شود.

پارگامنت (۱۹۹۰، به نقل از پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۲) در اولین دسته از مطالعات خود، پشته‌هایی برای ادعای خود پیدا می‌کند. او از نمونه‌ای از اعضای کلیسا خواست تا مجموعه‌ای از مقیاس‌های منابع کلی مذهبی (مانند سوگیری مذهبی، درست‌آینی، سبک‌های مقابله‌ی مذهبی و اعمال مذهبی) را پاسخ دهند. سپس از آنها خواست چگونگی مقابله‌ی خود را با واقعه‌ای که طی یک سال گذشته تجربه کرده‌اند توصیف کنند.

نتایج تحقیق او نشان داد که تلاش‌های مقابله‌ی مذهبی پیامدهای تنیدگی را بالاتر و

فراتر از فعالیت‌های مقابله‌ی غیرمذهبی پیش‌بینی کردند؛ بنابراین، این یافته‌ها بعد دیگری را به مقابله افزودند. همسان با الگوی میانجی‌گری دین و مقابله، تلاش‌های مقابله‌ی مذهبی خاص موقعیت، پیامدهای این وقایع مهم را قوی‌تر از مقیاس‌های منابع کلی مذهبی پیش‌بینی کردند. به عبارت دیگر، ارزیابی‌ها، فعالیت‌ها و مقاصد مذهبی‌گره خورده به موقعیت، معنای ضمنی مهم‌تری برای رضایتمندی و رفاه یک فرد در حال مبارزه با واقعه‌ای منفی داشتند.

علاوه بر این، بعضی از محققان (مانند: اباف و دیگران، ۱۹۸۴؛ پارگامنت و دیگران، ۱۹۸۳، به نقل از تیکس و فرزیر، ۱۹۹۸) اثر گرایش‌های مختلف دینی (مانند اسلام، مسیحیت، یهود و بودایی) و گرایش‌های مذهبی موجود در یک دین (مانند: کاتولیک و پروتستان در دین مسیحیت) را در شیوه‌ی مقابله‌ی پیروانشان مورد توجه قرار داده‌اند که نقش متفاوت آنها در تعدیل پیامدهای تنیدگی آشکار شده است.

بنابراین، به دست آمدن بعد مقابله‌ی مذهبی در این تحقیق، هم‌سو با نتایج تحقیقات جدید، با تأکید بر نقش دین است. هم‌چنین، با توجه به این مطلب که اسلام کامل‌ترین دین است و به‌خصوص با در نظر گرفتن ویژگی‌های مکتب غنی شیعه، به نظر می‌رسد که مقابله‌ی مذهبی در مسلمانان و به‌خصوص شیعیان، آثار تعدیل‌کننده‌ی بالاتری در رابطه‌ی بین تنیدگی و پیامدهای آن دارد که کیفیت و چگونگی آن مقابله‌ی مذهبی نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

بررسی‌ها نشان داد که پاسخ‌های افراد دارای گرایش مذهبی درونی، تا حدودی از کنترل پیامدهای پاسخ‌ها و هم‌چنین خودفریبی اثر می‌پذیرد. هنوز مشخص نیست که چه بخشی از این به خاطر مذهبی درونی بودن است، تا به کارگیری صرف سوگیری پاسخ مقبولیت اجتماعی (تریمبل، ۱۹۹۷).

درباره‌ی فرضیه‌های دوم و سوم این تحقیق: «ابعاد مقابله‌ی به دست آمده در پاسخ‌های مقابله‌ی نمونه‌ی ایرانی با ابعاد تشکیل‌دهنده‌ی مقیاس استاندارد خارجی متفاوت‌اند و مواد مقیاسی تشکیل‌دهنده‌ی ابعاد در نمونه‌ی ایرانی متفاوت با مواد مقیاسی تشکیل‌دهنده‌ی ابعاد در مقیاس استاندارد هستند»، یافته‌های به دست آمده حاکی از عدم روایی سازه‌ی مقیاس استاندارد (CRI) برای جامعه‌ی ایرانی است. همان‌گونه که در نتایج نشان داده شده است، هشت زیرمقیاس موجود در این مقیاس، در

نمونه‌ی ایرانی تکرار نشده‌اند، بلکه فقط سه عامل به دست آمده‌اند. عوامل به دست آمده همگون و تفسیرپذیرند و می‌توان آنها را به ترتیب، به عنوان روی آورد، اجتناب و هیجان تفسیر کرد.

شایان ذکر است که برخی از محققان معتقدند که وجود فقط چند ماده‌ی انطباق‌ناپذیر کافی است تا روایی و اعتبار یک مقیاس تحت تأثیر قرار گیرد (والکر، ۱۹۸۹). موضوع مواد انطباق‌ناپذیر، یک مشکل بالقوه برای مقیاس‌های مقابله (مانند CRI یا WOC) است که به طور وسیعی در جمعیت‌ها به کار برده می‌شود (بن پورات و دیگران، ۱۹۹۱ و استون و دیگران، ۱۹۹۱). این محققان هم‌چنین عقیده دارند که این مقیاس‌های مقابله، به‌خصوص نسبت به مواد انطباق‌ناپذیر یا نامناسب، آسیب‌پذیرند. ارتباط یا اهمیت فعالیت‌های مقابله‌ای - که مواد معینی بیرون می‌کشند - ممکن است هنگامی که این مقیاس‌ها در نمونه‌هایی دارای فرهنگ‌هایی متفاوت با فرهنگی که مقیاس در آن تهیه شده است اجرا شوند، به طور کیفی متفاوت باشند.

بنابراین مقیاس CRI به تنهایی برای جامعه‌ی ایرانی دارای روایی سازه نیست و زیرمقیاس‌های آن تکرار نشدند، بلکه این مقیاس با ترکیب مواد برگرفته از فرهنگ ایرانی غنی شده است.

نتیجه

این تحقیق به بررسی ماهیت و ساختار مفهوم مقابله در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی پرداخت. نتایج تحقیق ضمن اثبات ماهیت چندبعدی مفهوم مقابله، وجود چهار عامل مقابله‌ی مذهبی، روی آورد، اجتناب، و جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت را در پاسخ‌های مقابله‌ی دانشجویان متذکر می‌شود. عامل مقابله‌ی مذهبی دارای بیشترین اهمیت است و عوامل بعدی به ترتیب در درجات بعدی قرار دارند. عوامل، نسبتاً از یکدیگر مستقل‌اند. زنان در مقایسه با مردان از مقابله‌ی مذهبی و متأهلان در مقایسه با مجردان از عامل جست‌وجوی راه‌نمایی و حمایت، بیشتر استفاده کرده بودند. اعتبار مقیاس و هم‌چنین اعتبار زیرمقیاس‌های به دست آمده در حد بالایی است. اهمیت عامل مقابله‌ی مذهبی و هم‌چنین عوامل دیگر به دست آمده در این تحقیق، در تحقیقاتی که در جوامع دیگر انجام شده، به اثبات رسیده است، گرچه بین این عوامل و عوامل مشابه به دست

آمده در فرهنگ‌های دیگر، ضمن وجود مشابهت‌های کارکردی، از نظر ماهیت و پاسخ‌های مقابله‌ی تشکیل دهنده، تفاوت وجود دارد. زیرمقیاس موجود در مقیاس استاندارد CRI در نمونه‌ی ایرانی به طور نسبی تکرار شدند؛ بنابراین مقیاس CRI به تنهایی برای جامعه‌ی ایران دارای روایی سازه نیست؛ لذا این تحقیق به طور مقدماتی اثبات‌کننده‌ی نقش فرهنگ و دین در فرآیندهای ارزیابی و مقابله است.

فهرست منابع و مآخذ

- Amirkhan, J. (1990). "A factor analytically derived measure of coping: The Coping Strategy Indicator." *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, p.p.1066_1074.
- Ballard, R (1992). "Short forms of the Marlowe_ Crowne Socail desirability scale". *Psychological Report*, 71, 1155_1160.
- Ben _ Porath, Y. s., Waller, N. G. & Butder, J. N (1991). "Assessment of coping: An empirical illustration of the problem of inapplicable items." *Journal of Behavioral Medicine*, 4, p.p.139_ 157.
- Billings, A. G., & Moos, R. H. (1981). "The role of coping responses and social resources in attenuating the impact of stressful life events". *Journal of Behavioral Medicine*, 4, p.p.139-157.
- Boudreaux, E. & etal. !1995). "The Ways of Religious Coping Scale: Reliability, validity and scale development." *Psychological Assessment*, 2 (3) 233-244.
- Carver, C. S, Scheier, M. F. & Weintraub, J. K. (1989). "Assessing coping strategies: A theoretically based approach". *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, p.p.267-283.
- Chan, W. D. (1994). "The Chinese Ways of Coping Questionnaire: Assessing coping in secondary school teachers and students in Hong Kong." *Psychological Assessment*. 11 (1) 1-13.
- Moos, R (1997). "Coping Responses and Socail Resources Inventory," In: C. P. Zalaquett, & R, J, Wood, (Eds) *Evaluating Strees: A book of resourcers*. (pp 51_ 65) Lanham, MD: Scarecrow.
- Moos, R (1997). "Life Stressors and Social Resource Inventory", in: C. P. Zalaquett, & R. J. Wood, (Eds). *Evaluating Stress: A book of resources*. (pp 177-190) Lanham. MD: Scarecrow.

- Moos, R. & Schaefer, J. (1993). "Coping resources and processes: Current concepts and measures", (2nd ed , pp. 234-257). In: L. Goldberger, S. Breznitz, (Eds). Handbook of stress. New York, The Free press.
- Oakland, S. & Ostell, A. (1996). "Measuring coping: A review and critique," Human Relations, 49 (2): 133-155.
- Papalia, D. & Olds, S. (1985). *Psychology*. New York, McGraw) Hill book company.
- Pargament, K. et al (1992). God help me (II). Journal for Scientific Study of Religion. 37 (4) 504-513.
- Parker, J. & Endler, N. (1992). "Coping with coping assessment: a critical review." European Journal of *Personality*, 6, 321_344.
- Pearlin. L. & Schooler, C. (1978). "The structure of copin". *Journal of Health and Social Behavior*, 19: 2-21.
- Reber, A. S. (1985). Dictionary of Psychology, Harmonds Worth, Penugin Books.
- Schaefer, J. & Moos, R. (1998). The context for posttraumatic growth: Life crises, individual and socail resources, and coping. in: R. G. Tedeschi, C. L. Park, L. G. Calhoun, (Eds). Posttraumatic Growth: Positive changes in the aftermath of ceisis. (pp. 99-125), Mahwah, N. J: Lawrence Erlbaum.
- Sidle, A., Moos, R. Adams, J. & Cady, P. (1969). Development of a coping scale: a Preliminary study. Archives of General Psychiatry 20: 226_ 232.
- Stone, A. A, Greenberg, M. A. Kennedy - Moore, E. & Newman, MG (1991). Self report situation specific coping questionnaires: What are they measuring? Journal of Personality 46, 892-906.
- Sutherland, V. & Cooper, C. (1990). Understanding stress: A psychological perspective for health professionals. London, Chapman and Hall.
- Swindle, & Moos, R. (1992). Life domanins in stressors, coping and adjustment, In: W. Walsh, R. Price & K. B. Craik, (Eds) Person Environment Psychologay: Models and perspdctives. (pp 1_ 33) New York: Erlbaum.

- thomas, R. M. (1996). Basic cultural conceptions and scientific theories of human development, in: E. Corte, F. Weiner, (Eds). *International Encyclopadia of Development and Instructional Psychology*. (pp 77_ 81) Pergamon press.
- Tix, A. & Frazier, P. (1998). The use of religious coping during stressful life events: Main effects, moderation, and mediation. *Jornal of Coping and Clinical Psychology*. 66 (2): 411-422.
- Trimble, D. (1997). The Religious Orientation Scale: Review and meta-analysis of social desirability effects, *Education and Psychological Measurement* 57 (6): 970_ 986.
- Waller, NG. (1989). The effect inapplicable item responses on the structure of behavioral checklist datd. *Multivariate Behacioral Research*. 24, 125-134.
- Ewisman, A. & Worden, J. (1976_ 77). Existential plight in cancer: Significance of the first 100 days. *Int´l Journal of Psychiatry in Medicine*, 7: 1-15.